

باسمه تعالی

تلخیص مطالب گذشته در فرع ۲۴..... ۱

۱ مطلب اول: مقتضای اصل عملی

۲ مطلب دوم: معنای مبیح بودن تیمم

۲ مطلب سوم: بررسی اجماع یا شهرت

۳ مطلب چهارم: بررسی ادله

۴ کلام محقق حکیم: اختصاص روایت به نماز

۴ تبیین سوم از روایت

نتیجه بحث: بقای تیمم بعد از حدث اصغر..... ۵

۵ توصیه استاد: لزوم مباحثه و کار علمی

ادامه ی مسئله ۲۴: تنزیل تیمم منزله ی غسل..... ۶

حکم تداخل در اسباب غسل نسبت به تیمم..... ۶

موضوع: وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات گذشته بعد از نقل اقوای در مورد انتقاض یا عدم انتقاض تیمم به وسیله ی حدث اصغر، به بیان ادله ی دو طرف پرداخته شد. یکی از ادله ی محقق خویی بر انتقاض تیمم، آیه ی شریفه و روایات بودند که مورد مناقشه قرار گرفت. در این جلسه خلاصه ای از مسئله ی پر بحث ۲۴ ارائه می گردد و سپس مسئله ی بعد مطرح خواهد شد.

متن تقریر

بسم الله الرحمن الرحيم

تلخیص مطالب گذشته در فرع ۲۴

بحث در فرع ۲۴ تمام شد. از آنجایی که فرع مهمی بود خلاصه اش را بیان می کنیم:

مطالبی در این فرع بیان شد:

مطلب اول: مقتضای اصل عملی

مطلب اول این بود که مقتضای اصل عملی در این فرع بقای تیمم است. اصل اولی عدم انتقاض تیمم است. شک داریم که با این آبی که برای وضو پیدا شد، یا این حدث اصغری که پیدا شد، تیمم سابق بدل از غسل نقض شده است یا خیر؟ عرض

کردیم که استصحاب بقاء تیمم مرجع می باشد. صاحب جواهر در مقابل یک استصحاب معارض مطرح کرده است که استصحاب عدم مشروعیت می باشد. عدم تمامیت این استصحاب گذشت. یک استصحاب نیز محقق خویی مطرح کرده بود که بقای جنابت می باشد؛ به نظر ما استصحاب بقای جنابت در این جا به وسیله ی ادله ی تنزیل، ناتمام است. ادله ی تنزیل می گوید اولاً جنابت مرتفع است و ثانیاً دلیل نداریم که در بقای جنابت باید تیمم تکرار شود. محقق خویی می فرمود جنابت باقی است و باید تیمم کند ولی عدم تمامیت این کلام گذشت.

مطلب دوم: معنای مبیح بودن تیمم

مطلب دوم در مورد مبیح بودن یا رافع بودن تیمم بود. در ذهن ما این بود که تیمم مانند وضو و غسل، به صورت موقت رافع حدث و جنابت است. در مقابل قولی که تیمم را صرفاً مبیح می دانست و طهارتی برای آن قائل نبود. همچنین در مقابل قولی که با ظهور دانستن آن، لکن رافع حدث و جنابت نمی دانست. محقق خویی هم می فرمود که حدث را می برد و جنابت را نمی برد. ما کلام سید مرتضی را اختیار کردیم که تیمم به صورت موقت هم طهارت است و هم رافع جنابت و حدث می باشد.

مطلب سوم: بررسی اجماع یا شهرت

مطلب سوم این بود که مشهور گفته بودند که تیمم با حدث اصغر منتقض می شود. مراد از مشهور که انتقاض تیمم را اختیار کرده باشند، مشهور متأخرین است؛ یعنی مرحوم محقق و بعد از او، ولی این شهرت حجت نیست. شهرت زمانی حجت است که بین متقدمین باشد. شهرت علمای صدر اول که متصل به زمان اصحاب ائمه می باشند حجت است؛ زیرا بعید است که از جانب خودشان نظریه ای را مطرح کرده باشند. ظاهر این است که از اصحاب ائمه سینه به سینه به این ها رسیده است.

آنچه از کلمات در این بحث به دست ما رسیده است شهرت قدماییه نیست. ما در میان قدماء از مرحوم کلینی مطلب قابل استفاده ای نیافتیم. مرحوم کلینی تنها روایت «ما لم یحدث»^۱ را مطرح کرده بود که معلوم نیست برداشت ایشان مانند برداشت محقق خویی باشد. شیخ مفید نیز فقط «ینتقض بالحدث» را مطرح کرده بود که شاید مرادش غیر مراد محقق خویی باشد. آنچه یافتیم از شیخ طوسی و بعد از ایشان ابن حمزه در وسیله و ابن براج در سوال و جواب است که ایشان بعد از شیخ متهم به تقلید از شیخ هستند و کلامشان حجت نیست. آنچه مهم است کلام شیخ است که در خلاف گرچه ادعای اجماع می کند، لکن اجماعی را که ایشان در خلاف مسئله ۹۲ مطرح کرده است، اجماع بر این است که با این تیمم حدث به صورت مطلق (که)

۱ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۳.

حتی در صورت وجدان آب نیز نیازی به غسل نباشد، مرتفع نمی شود. این مطلب ایشان را اجماعی می داند. ما هم این را قبول داریم و محل اختلاف نیست. ما در میان قدماء اجماع یا شهرتی نیافتیم که مفاد آن انتقاض تیمم به حدث اصغر باشد. اینکه محقق همدانی از جهت شهرت، در آخر کلامشان، احوط را جمع بین تیمم و وضو دانسته اند مورد قبول نیست. سید مرتضی هم به صورت واضح مطرح کرده است؛ شهرت قدمایی موجود نیست. بلی، علامه حلی ادعای اجماع بر انتقاض کرده است که به دلیل متاخر بودن و حدسی بودن بحث، مورد توجه واقع نمی شود.

مطلب چهارم: بررسی أدله

مطلب چهارم حول ادله بود. ادعای ما این بود که مقتضای ادله ی تنزیل تراب به منزله ی ماء این است که تیمم نیز رفع حدث می کند. مقتضای ادله عدم انتقاض تیمم است. تیمم تا زمانی که آب پیدا نشود به نظر ما رافع جنابت است برخلاف محقق خویی که اطلاقی برای ادله ی تنزیل قائل نیست^۱. ایشان تنزیل را فقط از باب طهارت بودن می داند و رافع بودن جنابت را قبول ندارند. به نظر ما مقتضای اطلاق ادله تنزیل بقای تیمم است همانطور که مقتضای استصحاب نیز چنین بود. اینجا دلیل اجتهادی و فقهاتی در نظر ما یکی شدند. در مقابل برخی مانند محقق خویی ادعا می کنند دلیل بر انتقاض وجود دارد. عمده دلیل ایشان بر انتقاض مبیح بودن و روایات و آیه شریفه بود. ایشان ادعا می کرد که آیه موضوع را محدث به اصغر قرار داده هاست و قید را این قرار داده است که اگر کسی در زمان وجدان آب وظیفه اش غسل بود در هنگام فقدان آب وظیفه اش تیمم است^۲. ما عرض کردیم که موضوع در این آیه محدث به صورت مطلق است که خداوند متعال محدث را به دو قسم تقسیم کرده است. محدث اصغر باید وضو بگیرد و محدث اکبر باید جنب بودنش محرز باشد. در غیر این صورت تمسک به عام در شبهه موضوعه خواهد بود.

نوع دوم از ادله نیز ادله ای بود بدین مضمون:

« عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يُصَلِّي الرَّجُلُ بَتِيمَمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا فَقَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصِيبُ الْمَاءَ »^۳.

۱ موسوعة الامام الخوئي، السيد أبو القاسم الخوئي، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

۲ موسوعة الامام الخوئي، السيد أبو القاسم الخوئي، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

۳ استبصار، شيخ طوسي، ج ۱، ص ۱۶۳.

یکی از دلائل محقق خویی اطلاق مالم یحدث در این روایت بود که ما اطلاق آن را مورد مناقشه قرار دادیم. به نظر ما «مالم یحدث» یعنی همان حدیث مناسب؛ این کلام اطلاق ندارد که تیمم با مطلق حدیث نقض شود. مختار ما در این دلیل عدم اطلاق بود.

کلام محقق حکیم: اختصاص روایت به نماز

در مقابل کلام محقق حکیم است که فرمایش ایشان در جلسات گذشته بیان نشد. ایشان فرموده است که این روایت به هیچ وجه راجع به نواقض نیست؛ بلکه مربوط به نماز است. امام فرموده اند می توانی نماز بخوانی تا زمانی که حدیث سر نزده باشد^۱. این کلام محقق حکیم به نظر ما تمام نیست؛ زیرا:

اولاً: ظاهر این روایت این است که حدیث ناقض است. به قرینه ی اویصب ماء که در ادامه آمده است. بنابراین این روایت بیانگر این است که حدیث از نواقض است.

ثانیاً: امام علیه السلام در توضیح در ذیل روایت فرمودند که اگر آب پیدا شود وضو نقض می شود؛ بنابراین معلوم می شود این روایت مربوط به نواقض است.

تبیین سوم از روایت

کلام سوم نیز در مورد این روایت گفته شده است که این روایت را مربوط به وضو دانسته اند و ادعا کرده اند که این روایت به هیچ وجه تیمم بدل از غسل را شامل نمی شود. بحث در این روایت مربوط به تیمم بدل از وضو است. شاهد ایشان نیز ذیل روایت است که حضرت وجدان آب را برای وضو، موجب انتقاض تیمم دانستند. به نظر ما این کلام گرچه موید است ولی قابل جواب است. بدین بیان که گرچه ذیل روایت مختص به وضو است، ولی تمسک به اطلاق صدر روایت بی اشکال است. ما این احتمال را موید می دانیم و نمی توانیم اطمینان بدین گونه برداشت از روایت پیدا کنیم. البته عرض کردیم که احتمال این برداشت هم بعید نیست؛ زیرا معمولاً اینگونه است که شخص قادر بر وضو نیست و از تیمم بدل از وضو سوال می کند. بنابراین در رابطه با این دلیل «مالم یحدث» یعنی ما لم یحدث حدیث مناسب با آن، بنابراین اطلاق مطرح شده در کلام محقق خویی، و اطلاق مطرح شده در کلام محقق حکیم و قول سوم ناتمام به نظر می رسد.

روایت ابی همام نیز دلیل بعدی بود که حمل آن را با تقیه مناسب دانستیم، و استدلال به آن را ناتمام دانستیم.

۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۸۰.

نتیجه بحث: بقای تیمم بعد از حدّ اصغر

نتیجه اینکه مقتضای اصل عملی و ادله‌ی اجتهادیه این است که تیمم به حال خود باقی است. بنابراین فرمایش سید مرتضی که حدّ جنابت را مرتفع دانسته و امر به وضو کرده است صحیح است. در بحث حائض نیز چنین است؛ بعید است که دو تیمم را بر حائض واجب بدانیم. غالباً غسل حائض را مغنی نمی‌دانند لذا یک تیمم بدل از وضو مفروغ عنه است، لکن وجوب تیمم بدل از غسل برای او بعد از حدّ بعید است. محقق خویی قائل به وجوب تکرار تیمم است. هذا تمام الکلام در فرعی که محل تفکر متفکرین از فقهاء شده بود. بسیاری در این مسئله بحث کرده‌اند از جمله صاحب جواهر، محقق حکیم، محقق همدانی و محقق خویی؛ منبع اصلی درس ما نظریات همین چهار بزرگوار است.

توصیه استاد: لزوم مباحثه و کار علمی

کسانی که در ابتدای راه هستند حداقل باید کتاب محقق خویی را خوب مطالعه کنند و مباحثه قوی هم بکنند. بحث خارج بدون گفت و گو و مباحثه به جایی ختم نخواهد شد. باور کنید و تجربه ثابت کرده و به یقین رسیده ایم که بحث خارج بدون گفت و گو به جایی ختم نمی‌شود. برخی حتی مباحثه نیز نمی‌کنند. این نوع درس خواندن مفید نیست. باید وارد میدان گفت و گو شد، و مباحث را بررسی کرد. حل اشکالات را باید مشاهده کرد. درس زیاد رفتن و درس زیاد گفتن بسیار اشتباه است. نقل می‌کنند دو شاگرد محقق اردبیلی یعنی صاحب معالم و صاحب مدارک به جایی رسیدند که بسیار کار می‌کردند، شاید گاهی کلاس هم حاضر نمی‌شدند ولی بسیار کار می‌کردند. بسیار موفق تر بودند از کسانی که بسیار کلاس می‌رفتند و لکن کار نمی‌کردند. فقط کار علمی است که انسان را به جایی می‌رساند. البته کار تنهایی منتهی به خیالات می‌شود. باید گفت و گو و مباحث قوی کرد. تجربه ثابت کرده است کسانی که تنها کار می‌کردند دارای اشکالات فراوانی بودند. کسانی که تنها فکر می‌کنند خیال می‌کنند همه چیز را فهمیده‌اند و به بیراهه می‌روند. باید بعد از تتبع و بعد از وجدان در کلمات و بعد از گفت و گو متوجه شویم که بحث چیست و حل مسئله در کجاست. بارها عرض کردیم که یک کسی رفته است مسئله سیاسی می‌گوید؛ شما که در جریان نیستید فکر می‌کنید این آقا یک چیزهایی می‌گوید. اما کسی که حرف‌های دیگران را شنیده است برداشتی دیگر می‌کند. ممکن است از لفظ او یک مطالبی بفهمند که ما از اصل حرف‌های او نیز چنین برداشتی نداشته باشیم. کسانی که در جریان مطلب بودند می‌فهمند. خودتان را در جریان مطلب قرار دهید. خود را در میدان علم قرار دهید که این اساس کار است و بسیار لذت بخش خواهد بود.

ادامه ی مسئله ۲۴: تنزیل تیمم منزله ی غسل

سید می فرمایند:

«فما دام عذره عن الغسل باقياً تیمّمه بمنزلته، فإن كان عنده ماءً بقدر الوضوء توضاً وإلّا تیمّم بدلاً عنه، و إذا ارتفع عذره عن الغسل اغتسل، فإن كان عن جنابة لا حاجة معه إلى الوضوء، وإلّا توضاً أيضاً هذا و لكن الأحوط إعادة التیمّم أيضاً، فإن كان عنده من الماء بقدر الوضوء تیمّم بدلاً عن الغسل و توضاً و إن لم يكن تیمّم مرتّین مرّة عن الغسل و مرّة عن الوضوء، هذا إن كان غیر غسل الجنابة و إلّا یکفیه مع عدم الماء للوضوء تیمّم واحد بقصد ما فی الذمّة»^۱.

جمله ی اول که فرمود «فما دام عذره عن الغسل باقياً تیمّمه بمنزلته» از باب اطلاق ادله ی تنزیل است.

و إذا ارتفع عذره عن الغسل اغتسل زیرا موقتی بوده است. برخی از اهل سنت دائمی دانسته اند و گفته اند اگر تیمم کردید دیگر غسل لازم نیست. آیه ی قران هم همین را می گوید؛ جمود بر ظاهر آیه شریفه، فتوای برخی علمای اهل سنت است. لکن ما به برکت نصوصی که از اهل بیت داریم مانند حدیث «الم یحدث» یا «أصاب الماء» حکم به وجوب غسل می کنیم.

و إذا ارتفع عذره عن الغسل اغتسل، فإن كان عن جنابة لا حاجة معه إلى الوضوء، وإلّا توضاً أيضاً هذا و لكن الأحوط إعادة التیمّم أيضاً. ایشان به دلیل شهرت ادعا شده، احتیاط مستحب را اعاده ی تیمم نیز می داند.

فإن كان عنده من الماء بقدر الوضوء تیمّم بدلاً عن الغسل و توضاً و إن لم يكن تیمّم مرتّین مرّة عن الغسل و مرّة عن الوضوء، هذا إن كان غیر غسل الجنابة و إلّا یکفیه مع عدم الماء للوضوء تیمّم واحد بقصد ما فی الذمّة»^۲.

در مورد غسل جنابت زمانی که آب برای وضو ندارد یک تیمم را کافی می دانند.

اگر مکلف می خواهد احتیاط کند باید تیمم را به نیت ما فی الذمه بیاورد. مقتضای احتیاط نیت مافی الذمه کردن است.

اگر تیمم او منتقض شده باشد، این تیمم بدل از غسل خواهد بود و اگر باقی باشد تیمم بدل از وضو خواهد بود.

حکم تداخل در اسباب غسل نسبت به تیمم

سیدزیدی در مسئله ی ۲۵ فرمودند:

«حکم التداخل الذی مرّ سابقاً فی الأغسال یجری فی التیمّم أيضاً»^۳

۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

۲ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

۳ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

فرض این است که چند سبب برای غسل ایجاد شده است و آبی نیز برای آن در اختیار نیست. باید تیمم کند؛ اگر غسل می کرد یک غسل از باب تداخل در اسباب کافی بود؛ تداخل در اغسال منصوص و مفتی به است.

اساس این مطلب در گذشته مطرح شده است. می فرماید جاری در تیمم نیز می شود. دلیل آن نیز اطلاق ادله ی تنزیل و بدلیت است. این قائلین اطلاق را قبول دارند و می گویند تیمم در هر حال به جای غسل است.

روایت صحیح زراره حکم به مجزی بودن یک غسل می کند:

«عَلَىٰ بَنِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَاكَ غُسْلُكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْجُمُعَةِ وَ عَرَفَةَ وَ النَّحْرَ وَ الْحَلْقَ وَ الذَّبْحَ وَ الزِّيَّارَةَ وَ إِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقُ أَجْزَائِهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ»^۱.

ادله ی بدلیت می گوید این تیمم از آن غسل است بنابراین یک تیمم نیز مجزی می باشد

محقق خویی اطلاق ادله بدلیت را قبول نمی کنند و می گویند این ادله فقط بیانگر طهور بودن تیمم و جواز دخول در نماز و عبادات هستند. اما اینکه تمام آثار غسل را داشته باشند مورد مناقشه قرار می دهند.^۲

ما اطلاق این ادله را قبول داریم. «التراب بمنزلة الماء». اطلاق دارد. محقق خویی اطلاق را قبول ندارند و بیان دیگری برای الحاق تیمم به غسل در این مسئله مطرح می کنند.

«حکم التداخل الذی مرّ سابقاً فی الأغسال یجری فی التیمم أيضاً فلو کان هناك أسباب عديدة للغسل یکفی تیمم واحد عن الجميع و حیثنذ فإن کان من جملتها الجنابة لم یحتج إلى الوضوء أو التیمم بدلاً عنه، و إلا وجب الوضوء أو تیمم آخر بدلاً عنه»^۳.

محقق خویی فرموده است ادله ی تنزیل اطلاق ندارد ولی با این حال تداخل درست است. ایشان گفته است طبق مبنای ما که در باب غسل غسل را حقیقت واحده می دانیم درست است. در باب غسل دو مبنا وجود دارد که آیا غسل حقیقت واحده است یا خیر؟ مانند وضو که وضوی شخصی که خوابیده است یا حدی دیگر سرزده است همه یک حقیقت هستند. مبنای دوم این است که اغسال متعدد هستند. طبق این بیان غسل جنابت غیر از غسل حیض است. ارتکاز هم همین را می گوید. فرق غسل با باب وضو در این است که ما در وضو نمی گوییم که وضو می گیرم از باب حدث خوابیدن، اما در غسل اینگونه است که سبب ها را در نیت جدا می کنند. این دو مبنا در غسل است که به تنقیح مراجعه کنید. ایشان تداخل را طبق مبنای خود درست می دانند.

۱ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۴۱.

۲ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۹۹.

۳ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۸.

